

تندروی خشونت آمیز داخلی در رمان تروریست اثر جان آپدایک

علی اکبر نوروزی تبریزی نژاد*

دانشجوی دکتری ادبیات انگلیسی پردیس کیش، دانشگاه تهران، تهران، ایران

فریده پورگیو**

استاد ادبیات انگلیسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۹، تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۷/۱۴، تاریخ چاپ: بهار و تابستان ۱۴۰۱)

چکیده

حادثه ۱۱ سپتامبر در آمریکا باعث تحولات بسیاری در دنیا گردید که دنیای ادبیات و هنر نیز از آن بی بهره نماند و کتابهای زیادی تحت تاثیر این حادثه منتشر شد. تندروی خشونت آمیز داخلی همانند تندروی خشونت آمیز خارجی فاجعه به بارآورده است. در این مقاله رمان تروریست اثر جان آپدایک بر اساس تندروی داخلی بررسی می شود. برای تحلیل رفتارهای شخصیت اصلی داستان از دیدگاه مکالی و مسکالینکو استفاده شده است که تندروی و رادیکالیسم را به سه دسته فردی، گروهی و جمعی و دارای دوازده مکانیسم تقسیم کرده اند. در رمان تروریست مکانیسم های فردی کاربرد بیشتری دارند. بررسی نشان می دهد که مشکلات فراوانی از جمله عدم حضور پدر، بی پروایی زندگی خانوادگی مادر، دردهای همکلاسی ها در دبیرستان و نیز محیط پیرامون نقش مهمی در ایزوله شدن و سردرگمی هویتی احمد و هدایت وی بسوی تروریست شدن دارند. اما احمد در پایان رمان بمب را منفجر نمی کند زیرا که شک و تردید در نگرش وی به خود و نیز در چرایی انفجار وجود دارد.

واژه گان کلیدی: تروریست، تندروی خشونت آمیز داخلی، هویت، جان آپدایک، رمان پسا

سپتامبر

* Aliakbarnowroozi@gmail.com

** fpourgiv@rose.shirazu.ac.ir (نویسنده مسئول)

۱. مقدمه

اگرچه مردم دنیا با عملیات تروریستی توسط افرادی خارج از کشور خود آشنا هستند، اصطلاح تندروی خشونت آمیز داخلی^۱ در بحث و نقد در باره تروریسم بسیار به کار می‌رود. تندروی خشونت آمیز داخلی به اعمالی گفته می‌شود که توسط افراد بدبنا آمده در یک کشور یا مهاجرینی با سابقه‌ی نسبتاً طولانی اقامت در آن کشور به وقوع بپیوندد. تندروی خشونت آمیز داخلی در نوشته‌های بسیاری از جامعه‌شناسان با عبارت رادیکالیسم داخلی^۲ همراه است اما در این مقاله فقط از اصطلاح تندروی خشونت آمیز داخلی استفاده شده است.

پس از حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و تاثیر بسیار عمیق آن بر ژئوپولتیک سیاسی-جغرافیایی در سطح بین‌المللی، دنیای ادبیات و فرهنگ و هنر نیز به آن واکنش نشان داد و رمان، مقاله، کتاب و فیلم‌های بسیاری تحت تاثیر این حادثه نوشته شد که هرکدام از زاویه دید متفاوتی به موضوع نگریسته‌اند. کسانی که در حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شرکت داشتند اهل و ساکن آمریکا نبودند. اما مقوله دیگری که در دو دهه گذشته در کشورهای اروپایی و آمریکا رخ داده، وقوع حوادث خشونت آمیز توسط اهالی و ساکنان درون این کشور بوده است و البته بسیاری از این حوادث خونین توسط سفیدپوستان انجام شده است. لوئیز بکت^۳ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای که در نشریه گاردین به چاپ رسیده می‌نویسد: «۶۷ درصد حملات تروریستی داخلی ... توسط تندروهای دست راستی» در سال ۲۰۲۰ در آمریکا انجام شده است. استفاده از کلمه تروریست برای حمله‌کنندگان سفیدپوست در آمریکا در چند سال اخیر وارد نوشتار و گفتمان انتقادی شده است اما بیشتر مقالات، کتابها و پژوهش‌ها در دو دهه گذشته، به تندروی خشونت آمیز داخلی مسلمانان ساکن کشورهای غربی پرداخته‌اند.

از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تاکنون، از یک سو در رابطه با خود حادثه و از سوی دیگر درباره‌ی دلایل بروز تندروی و رادیکالیسم در جامعه، کتاب‌ها و آثار پژوهشی - نظری بسیاری توسط پژوهشگران حوزه‌های جامعه‌شناسی، روانشناسی، سیاست، آموزش و همچنین محققان مراکز امنیتی همچون اف بی ای منتشر شده است. در این آثار نقش جامعه، خانواده، اقتصاد، سیاست، مذهب و روانشناسی فردی و جمعی در پیدایش تندروی و رادیکالیسم کاویده شده است. اهمیت موضوع برای کشورهای غربی تا حدی است که توجه بسیاری را به خود معطوف

^۱ Homegrown violent extremism

^۲ Homegrown radicalism

^۳ Lois Beckett

کرده است. ناشری با نام IOS واقع در آمستردام فقط ۶۰ کتاب در باره ترور به چاپ رسانده است از جمله کتاب لومباردی^۱ و دیگران (۲۰۱۴) با نام *تقابل با رادیکالیسم و تندروی خشونت بار جوانان برای پیش گیری از تروریسم* که در رده ۱۱۸ از سری انتشارات تحت حمایت ناتو با عنوان علم برای صلح و امنیت قرار دارد. نظرات این منتقدان در پاره ای از نکات شباهت و نیز تفاوت‌هایی دارد (ویلنر و دابلوز ۲۰۱۱، لومباردی و دیگران ۲۰۱۴، جاستین هیلی^۲ ۲۰۱۷، کهلر و هورگان^۳ ۲۰۱۷، کیمل^۴ ۲۰۱۸، فتحی منصوری و زلیخا کیسکین^۵ ۲۰۱۹، جایاکومار^۶ ۲۰۱۹، زیگر، الونسو و هرارا^۷ ۲۰۱۹). در بعضی از این کتابها در باره مکانیسم‌های هدایت بسوی تندروی و در آثار دیگر در مورد راه‌های برگشت و جلوگیری از تندروی بحث شده است.

در رمان‌هایی از جمله *شنبه اثر ایان مک یوئن*، انگلیسی سفید پوستی به راوی داستان که جراح مغز مشهوری است حمله‌ور می‌شود و بعدا وارد خانه‌اش می‌شود. وی بیماری مغزی ژنتیکی دارد و در نهایت توسط جراح عمل میشود. اما مک یوئن با دیدن سه زن شرقی محجبه به آنها با دید دیگری نگاه میکند و احساس خوشایندی ندارد. نقدها و پژوهش‌های این رمان‌ها یا با دید پسا استعماری و حمله به نویسنده به خاطر دید منفی از شخصیت تندرو و حمله به اسلام نوشته شده است یا در ستایش زبان و شخصیت پردازی نویسنده است. رمان *تروریست* توسط نویسنده مشهور آمریکایی، جان آپدایک (۲۰۰۹-۱۹۳۲) در سال ۲۰۰۶ به چاپ رسید. این کتاب بازخورد بسیار متضادی در جامعه ادبی داشت. لارنس مازنو^۸ (۲۰۱۳) در فصلی از کتابش در باره تاثیر تروریست بحث میکند و می‌گوید: «در ازای هر نقدی که رمان آپدایک را به خاطر تصویر روشن‌گرانه یک جهادی می‌ستود، نقدی در حمله به ارایه تصویری کلیشه‌ای و آلوده به ایدئولوژی از اسلام بعنوان دین خشونت نوشته شده است» (۱۷۰). پژوهش‌هایی که رمان تروریست را از زاویه دید تندروی خشونت آمیز داخلی بررسی می‌کنند بسیار محدودند و با اشاره‌ای گذرا از مساله گذشته‌اند.

^۱ Lombardi et al.

^۲ Justin Healey

^۳ Koehler & Horgan

^۴ Kimmel

^۵ Fethi Mansouri & Zuleyha Keskin

^۶ Jayakumar

^۷ Zeiger, Alonso & Herrera

^۸ Mazzeno

در این نوشتار تندروری خشونت آمیز داخلی در رمان جان آپدایک با استفاده از نظریات مکالی و مسکالینکو^۱ تحلیل شده است. دیدگاه های مکالی و مسکالینکو از این نظر انتخاب شده است که طیف وسیعی از دلایل جامعه شناسی، روانشناسی، تربیتی، خانوادگی، سیاسی و مذهبی را در زندگی و محیط جوان تندروری شده در بر می گیرد. هدف از تحلیل این مقاله بررسی دلایل گرایش شخصیت جوان داستان به نام احمد عشمای مالوی^۲ با پدر مسلمان مصری و مادری آمریکایی-ایرلندی مسیحی به خشونت و تندروری است. در این مقاله بر خلاف نقدهای دیگر که فقط بر تاثیر دین در افراطی شدن و گرایش خشونت آمیز جوانان و نوجوانان تمرکز می کنند، عوامل خانوادگی، محیطی، پرورشی و آموزشی احمد بررسی می شود تا دلیل گرایش وی به خشونت مشخص شود. از آنجاییکه این رمان تا حدودی از زاویه دید شخصیت احمد نوشته شده، با رمانهای دیگری که کم و بیش با همین موضوع توسط نویسندگان غربی چون مارتین ایمیس و دان دیلو نوشته شده تفاوت دارد. آپدایک سعی کرده است با افزودن زاویه دید احمد و آنچه در ذهن او میگذرد تصویری منصفانه تر از یک تندروری جوان ارایه کند.

۲. پیشینه

در دنیای ادبیات نظریه‌هایی در باره ترور در تحلیل و بررسی شخصیت‌ها در رمان‌های پسااستپتامبر بکار گرفته شده است که در این پژوهش‌ها منتقدان اکثرا با دید پسااستعماری و یا لیبرالی غربی و سیاسی خاص خود رمانها را بررسی کرده‌اند. بسته به نگرش منتقد، تحلیل زبان و شخصیت این گونه از رمان مثبت یا منفی است. رمان آپدایک به خاطر زاویه دید محدودی که از شخصیت احمد بیان شده و افکار و احساسات وی تا حدی مطرح گردیده، با عکس-العمل‌های تند و متضادی روبرو شده است.

اولریش بک (۲۰۰۹) در کتابی با عنوان جهان در معرض خطر به جنبه های مختلف خطراتی که دنیا با آن دست به گریبان بوده و خواهد بود می پردازد. وی معتقد است که با توجه به مسایل تکنولوژی، محیط زیستی، اقتصادی و تروریستی نیاز به نگرش جدید به مسایل جهان است و پرونده سازی نژادی^۳ بر اساس دین و نژاد را تقبیح میکند. وی به سخنان رهبر حزب

^۱ McCauley & Moskalenko

^۲ Ahmed Ashmawy Mulloy

^۳ Racial profiling

دست راستی جبهه ملی انگلستان اشاره میکند که گفته بود جلوی مسافرت هوایی همه مسلمانان مذکر مسلمان بین ۱۵ تا ۵۰ سال گرفته شود (۱۰۶).

بورام^۱ (۲۰۱۱) در مقاله‌ای نظریه‌های علوم اجتماعی در باره تبدیل رادیکالیسم به تندروی خشونت آمیز را بررسی کرده است. وی معتقد است که تعریف مشخصی از رادیکالیسم وجود ندارد و راه‌ها و مکانیسم‌های متفاوت از طرق مختلفی به تروریسم منتهی میشوند. بورام و پاترسون^۲ (۲۰۱۹) در مقاله‌ای که در نشریه *آکادمی روانشناسی کودک و نوجوان* منتشر شده است تندروی را بیشتر مختص پسران نوجوان می‌داند و ویژگی‌های چندی را از جمله عدم سوء سابقه افراد درگیر تندروی و احساس تعلق نداشتن به جامعه درباره تضاد با خانواده و در حاشیه قرار گرفتن در اجتماع نام می‌برند.

مکالی و مسکالینکو (۲۰۱۱) در کتابی با عنوان *اصطکاک: چگونه مناقشه ما و آنها را رادیکالیزه می‌کند* و نیز مقاله‌ای در سال ۲۰۰۸ با دید روانشناسی اجتماعی تندروی را به سه دسته فردی، گروهی و جمعی تقسیم می‌کنند که هرکدام از این سه دسته زیر مجموعه‌های دیگری داشته و در نهایت منجر به تندروی می‌گردد. در این کتاب موارد متعدد تندروی خشونت آمیز و افرادی که در دهه‌های مختلف دست به کشتار زده و بمب گذاری کرده‌اند مطرح می‌کنند. ایشان در مقدمه کتاب خود با شرح زندگی بن لادن و نیز تد کازینسکی^۳ استاد ریاضیات در دانشگاه کالیفرنیا که با بمب گذاری دست به کشتن ۳ نفر و مجروح کردن دهها نفر زد، بیان میدارند که انسانهایی هم که باهوش بوده و زندگی عادی داشته‌اند می‌توانند دست به اعمال خشونت آمیز بزنند. در بخش‌های مختلف کتاب با استفاده از روایت زندگی یک گروه تروریستی روسی در پایان قرن نوزده و اشاره به موارد تندروی خشونت آمیز دیگر در آمریکا و نقاط مختلف جهان، نتیجه‌گیری می‌کنند که روند منجر به خشونت در اکثر این موارد ناشی از مکانیسم‌های مشابهی می‌باشد. در بخش زیرین نظریات مکالی و مسکالینکو گسترده‌تر بحث و بررسی شده‌اند. البته باید توجه داشت که مسکالینکو و مکالی (۲۰۰۹) در مقاله دیگری بین کنشگری و رادیکالیسم و نیز رادیکالیسم و تروریسم تفاوت قایل هستند و معتقدند که درصد کمی از کنشگران تبدیل به تروریست می‌شوند (۲۴۰).

^۱ Borum

^۲ Borum & Patterson

^۳ Ted Kaczynski

الکس هوئن^۱ (۲۰۰۲) در کتابی به موضوع ترور در ادبیات مدرن غرب پرداخته است. در فصل یک و چهار به ترور در آثار جوزف کنراد^۲ و والتر ابیش^۳، در فصل ۲ به حمله در آثار ویندهام لویس^۴، در فصل بعدی به دیدگاه ضدیهودی ازرا پاوند^۵ و در آخر به مسایل ترور در شعر ایرلند را می پردازد.

جم پوستر^۶ (۲۰۰۶)، شاعر و نویسنده انگلیسی از معدود منتقدانی است که در نقد کتاب تروریست به روابط و مسائل روانی و هویتی و نیز اشفته بازار تبلیغات و تجارت در آمریکا می پردازد. وی معتقد است که جک لوی و احمد همچون دو روی یک سکه هر دو دچار بحران هویتی-شخصیتی اند.

اولا کریبرنگ^۷ (۲۰۱۸) در فصلی از کتابی در باره آپدایک به دورگه بودن احمد جوان دبیرستانی و محیط چند فرهنگی پیرامون وی اشاره می کند. احمد، فرزند یک مادر کاتولیک امریکایی-ایرلندی و پدری مصری است که مشاور دبیرستانش کلیمی، رییس وی مسلمان لبنانی امریکایی و معلم و مراد وی شیخ رشید یمنی است. وی عقیده دارد که آپدایک با انتخاب دیدگاه یک مسلمان اصولگرا سعی می کند نشان بدهد که احمد انسانی است که قربانی شده است (۱۵۶).

آنا هارتنل^۸ (۲۰۱۱) معتقد است که رمان تروریست با اکثر رمان های پسا سپتامبر از جمله رمان دلیلو و مارتین ایمیس تفاوت چشمگیری دارد چرا که بر خلاف نویسندگان دیگر که از دید قربانیان تروریسم روایت می کنند، آپدایک از دید عامل ترور به بررسی روابط بین شخصیت ها و مسایل آنها می پردازد.

پیتر هرمان^۹ (۲۰۱۵) هم با نظر هارتنل موافق است و ابراز می دارد که آپدایک با نوشتن این رمان به مخالفت با تعریف های معمول از رمان تروریسم برخاسته است. وی معتقد است که روایت بسیاری از رمانهای پسا سپتامبر، از دوقطبی "ما" و "دیگران" یا قربانی تروریسم و

^۱ Alex Houen

^۲ Joseph Conrad

^۳ Walter Abish

^۴ Windham Lewis

^۵ Ezra Pound

^۶ Jem Poster

^۷ Ulla Kriebner

^۸ Ana Hartnel

^۹ Peter Herman

عامل تروریسم بهره برده است حال آنکه رمان هایی مثل تروریست تشخیص ساده ای از "ما" و "دیگران" ارائه نمی کنند (۶۹۳).

پیتر موری^۱ (۲۰۱۸) در کتابی با عنوان *اسلام هراسی و رمان*، آثار چندین نویسنده پسا سپتامبر را بررسی می کند. وی در مقدمه کتاب ابراز می کند که «اسلام هراسی برجسته ترین نوع پیشداوری در دو دهه اول قرن ۲۱ در جوامع غربی است» (۱). وی معتقد است که آبدایک در بحبوحه بحرانی پس از یازده سپتامبر با آوردن روایتی از زاویه دید یک تروریست مسلمان دست به ریسک می زند و در نتیجه نقدهای نوشته شده اکثراً منفی هستند (۵۵).

در نقد های منتشر شده در ایران بیشتر از دید شرق شناسی و پسا استعماری به رمانهای پسا سپتامبر پرداخته اند. پیرنجم الدین و برهان (۱۳۹۰) به شرق شناسی و تروریسم در رمان *مائوی دوم* دان دلیل می پردازند و آن را به نوعی پیش بینی حادثه یازده سپتامبر می دانند. مرنندی و قاسمی طاری (۱۳۹۰) رمانهای تروریست و مرد در حال سقوط اثر دلیلو را با دید پسا استعماری و با استفاده از نظرات سعید بررسی کرده اند و معتقدند که نویسندگان از کلیشه های قرون وسطی درباره مسلمانان استفاده می کنند.

پیرنجم الدین و صالح نیا (۱۳۹۱) هم با دید شرق شناسانه به بررسی رمان تروریست پرداخته اند و معتقدند که نگاه آبدایک به اسلام تحت تأثیر گفتمان غرب می باشد. در مقاله دیگری پیرنجم الدین و پیمبرپور (۱۳۹۱) به بررسی رمان *شنبه اثر مک* یوئن از دیدگان انسان گرایی لیبرال پرداخته و آن را جانبدارانه و افراطی می پندارند. ایشان معتقدند «... مک ایون از رمان چونان ابزاری در جهت اغراض ایدئولوژیک و اهداف تعریف شده در جامعه سرمایه داری استفاده کرده و جاده صاف کن استعمار و توسعه طلبی شده اند» (۲۰۲).

دیاکانو^۲ (۲۰۱۶) در رساله دکتری خود با عنوان *ادبیات نقد دموکراتیک: رمان پسا سپتامبر فضای عمومی*، به وجود تروریست های داخلی در رمانهای دهه نود اشاره می کند اما معتقد است که دلایل مذهبی در مرکز توجه هستند که باعث دیگرانگی اسلام می شود (۱۱۶). وی در ادامه بحث به عدم توجه نویسندگانی چون مارتین ایمیس و دلیلو به تروریسم خانگی می پردازد و ابراز می کند که آبدایک نیز با ایده آل سازی شخصیت احمد در رمان تروریست دچار خطا شده است (۱۳۱).

^۱ Peter Morey

^۲ Diaconu

در سال ۲۰۱۹ کتابی با عنوان *پاسخ ادبی و غیر ادبی به ۱۱ سپتامبر: جنوب آسیا و ماورا* با ویراستاری نخبه تاج لنگه^۱ به چاپ رسید که مجموع مقالاتی در باره رمان‌های نوشته شده در آسیا و غرب، عکس العمل سینمای بالیوود، دیدگاه علمای پاکستان به حوادث ۱۱ سپتامبر و نیز سرنوشت مسیحیان پاکستان را در برمیگیرد. نویسندگان مقالات سعی کرده‌اند تحت تاثیر دیدگاه‌های آکادمیک امریکایی و گفتمان سیاسی جاری در باره اسلام و دیگری شدن مسلمانان قرار نگرفته و به هویت با نظر کلیشه‌ای برخورد نکنند. تنها در یکی از مقالات کتاب به رمان آپدایک توجه شده و به تقابل‌های "انها" و "ما" و اسلام و آمریکا پرداخته شده است (۷۲).

در اهمیت مقوله خشونت گرایی داخلی میتوان به لیست منابعی که جو دیت تی‌نس^۲ (۲۰۱۵) از نوشتارهای مربوطه تا نوامبر سال ۲۰۱۵ جمع آوری کرده رجوع کرد. این منابع گردآوری شده در ۳۶ صفحه شامل کتاب، مقاله، و پایان نامه‌هایی می‌شود که در باره تروریسم و خشونت داخلی نوشته شده‌اند.

در این نوشتار با استفاده از نظرات مکالی و مسکالینکو استادان روانشناسی اجتماعی در دانشگاه‌های آمریکا، رمان جان آپدایک بررسی شده است. همانگونه که در پیش ذکر شد تاکنون از این نظرات در نقد رمان‌های پسا سپتامبر استفاده نشده است. این نوشتار جنبه‌های دیگری از زندگی شخصیت داستان را روشن می‌کند که در تندرو شدن و رویکرد وی به خشونت تاثیر بسزایی داشته است و بر خلاف اکثر مطالب منتشر شده، دین را نقطه مرکزی تاثیر گذار نمی‌داند. نظرات مکالی و مسکالینکو مورد توجه پژوهشگران حوزه‌های جامعه‌شناسی، روانشناسی، مطالعات بین‌الملل، امنیت اجتماعی، ارتباطات و علوم سیاسی قرار گرفته است.

۳. بحث

تعریف‌های بسیاری از تندرو شدن خانگی موجود است از جمله پژوهشگران مانند مکالی و مسکالینکو (۲۰۱۱، ۲۰۶)، ویلز و دوبلوز^۳ (۲۰۱۱) و استیون و نیومن (۲۰۰۹) در این باره پژوهش کرده‌اند و مقالات و کتاب‌هایی به چاپ رسانده‌اند. تعریف اکثر این پژوهشگران در

^۱ Nukhbah Taj Langah

^۲ Judith Tennes

^۳ Wilner & Dubouloz

عبارت «تندروی داخلی» گاهی هم‌پوشانی دارد و گاه در بعضی نکات متفاوت است. بورام (۲۰۱۱) نیز در وصف تندروی داخلی بیان می‌کند: «مجموعه‌ای از فرآیندها که به وسیله‌ی آن‌ها افراد عقایدی را می‌پذیرند که نه فقط خشونت را توجیه، بلکه به اعمال خشونت اجبار می‌کنند و همچنین اینکه چگونه و با طی چه روندهایی چنین افرادی از خشونت در ساحت اندیشه به کنش‌گرانی خشن و عمل‌گرا تبدیل می‌شوند» (۸).

مکالی و مسکالینکو (۲۰۱۱) در کتاب خود دوازده روش را برمی‌شمارند و معتقدند که مکانیسم‌های متعددی در تبدیل یک فرد به فردی تندرو به خدمت گرفته می‌شود تا نحوه نگرش وی را تحت تأثیر قرار داده یا عوض کند. این مکانیسم‌ها در ادوار مختلف تفاوت زیادی نمی‌کند به همین دلیل به نمونه‌هایی از افراد و وقایع تروریستی که در آمریکا و نقاط دیگر اتفاق افتاده است از جمله خشونت‌های تروریستی کوکلاکس کلان^۱، هوای مخفی^۲ و گروه ترور آزادی فردی در شهر اکلاهما^۳ اشاره می‌کنند (۳). شخصیت بعضی از اعضای یک گروه تروریستی با نام اراده مردم^۴ که در اواخر قرن ۱۹ در روسیه موفق به ترور الکساندر دوم، تزار روسیه شدند در هر فصل بررسی شده است. ایشان معتقدند «اگر متوجه نشویم چرا مردم عادی به خشونت روی می‌آورند، نمی‌توان امیدوی به متوقف کردن خشونت یا کاهش آن... داشت. اگر رادیکالیسم را درک نکنیم باید با عواقب آن از جمله تندروی خشونت آمیز زندگی کنیم» (۵). ایشان با روایت کردن زندگی افرادی که به طرف خشونت‌گرایی رفته‌اند و واکاوی تغییر و تحول در شخصیت، با استفاده از مکانیسم‌های دوازده گانه، روند شکل‌گیری خشونت‌گرایی در افراد مختلف را بررسی می‌کنند. در بخش اول چندین نمونه از تندروی و رادیکالیسم فردی مقایسه شده است. از جمله زندگی فاضله عماره^۵ الجزایری الاصل بازگو شده است که در نوجوانی شاهد کشته شدن برادر ۵ ساله‌اش بدست راننده‌ای سفیدپوست و توهین پلیس فرانسه به مادرش می‌شود. این حادثه باعث رادیکالیزه شدن وی شده و در ادامه تظاهرات غیر قانونی را در پاریس رهبری می‌کند که خشونت آمیز نیست. وی سپس وارد سیاست شده و در ۲۰۰۷ بعنوان وزیر وارد کابینه کشور فرانسه میشود.

^۱ KuKlux Klan

^۲ Weather Underground

^۳ Oklahoma City Libertarians

^۴ People's Will

^۵ Fadela Amara

زندگی فاضله با زندگی آندره ژلیابوف^۱ روسی متولد اواخر قرن هجدهم مقایسه و بررسی شده است که عمه اش در کودکی وی مورد تجاوز قرار می‌گیرد و دادگاه حکم برائت متجاوز را صادر می‌کند چرا که خانواده‌ی آندره سرف دنیا آمده و بردگانی بیش نیستند. آندره باهوش که از صاحبان قدرت و نجیب زادگان تنفر دارد وارد دانشگاه شده و بخاطر رهبری اعتراضات دانشجویان اخراج می‌شود. در سی سالگی به خاطر فعالیت‌های تروریستی اعدام می‌گردد. در بخش‌های دیگر نیز ایشان نمونه‌هایی از افرادی از کشورهای مختلف آورده‌اند که دست به خشونت گروهی یا توده‌ای زده‌اند.

به نظر می‌رسد بعضی از دوازده روش مکالی و مسکالنگو در روند رشد و تفکر احمد، شخصیت اصلی داستان تروریست، و تبدیل وی به فردی تندرو نقش داشته‌اند. بر این اساس احمد که زاده‌ی آمریکا و شهروندی آمریکایی است و شیخ رشید یمنی‌الاصل که مدتی طولانی مقیم و شهروند آمریکا بوده است، با توجه به تعریف ارائه شده، در دسته‌ی تندروهای داخلی قرار می‌گیرند. این نویسندگان تندروی را به سه دسته تقسیم می‌کنند: فردی^۲، گروهی^۳ و توده‌ای^۴. در مبحث تندروی فردی، از مکانیسم‌های خود قربانی‌پنداری^۵ (فردی از خانواده یا محیط اطراف مستقیماً تحت ستمی قرار گرفته است و در صدد انتقام بر می‌آید.) و دلشکستگی سیاسی^۶ (فرد از وجود یک سیستم سیاسی ناراضی است) نام می‌برند (۴۱۸). در مبحث پیوستن فرد به گروه تندروی مکالی و مسکالنگو از قدرت عشق (که می‌تواند عشق به یک زن و یا محبت و دوستی فرد بزرگتری باشد)، خطرپذیری بیشتر و جایگاه والاتر، مسیر لغزنده^۷ (بعضی اوقات تبدیل طرفدار به تندرو در فاصله زمانی کوتاهی اتفاق می‌افتد) و تندروی برای فرار از ترس و رنج، نام می‌برند. در بحث تندروی گروهی. مکانیسم‌های تضاد گروهی^۸، رقابت گروهی^۹ و انزوا و مورد تهدید قرار گرفتن گروه را بر می‌شمارند. در مبحث تندروی جمعی از سیاست‌های ادعاهای اثبات نشده، تنفر و شهادت طلبی نام می‌برند.

^۱ Andre Zhelyabov

^۲ Individual radicalization

^۳ Group radicalization

^۴ Mass radicalization

^۵ Self-victimization

^۶ Political grievances

^۷ Slippery slope

^۸ Group conflict

^۹ Group competition

در تحلیل رمان تروریست بعضی از این مکانیسم‌ها را میتوان مشاهده کرد که در ادامه بحث به آنها پرداخته شده است. باید توجه داشت که احمد عشناوی مالوی در طول رمان فقط با شیخ رشید و کمی هم با مشاور دبیرستان در تماس است و شیخ رشید تفکر او را تحت تاثیر قرار میدهد. احمد عضو دسته و گروهی نیست که این تنهایی و انزوا باعث تکیه بیشتر او به شیخ رشید می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که مکانیسم‌های فردی در رمان تروریست بیشتر از مکانیسم‌های دیگر وجود دارد. مکالی و مسکالینکو (۲۰۰۸) بیان می‌کنند که در تندروی فردی هرگاه فرد عملی یا سخنی را چه در رابطه با خود چه در رابطه با گروهی که او به آن گروه تعلق خاطر دارد توهین آمیز تلقی کند چه این برداشت منطبق بر واقعیت باشد و چه برداشتی خیالی، اثر آن دلشکستگی و دلزدگی و نتیجه آن در بعضی موارد تندروی فردی خواهد بود. فرد در اثر چنین ناراحتی‌ها، توهین‌ها و محرومیت‌ها گاه با اتخاذ تصمیماتی لجوجانه واکنشی خشونت‌آمیز از خود نشان می‌دهد. یکی از اولین موارد توهین در رمان تروریست زمانی اتفاق می‌افتد که بعد از حمله به برج‌های دوقلو، تهدیدهای زیادی از طریق تلفن به خانه آنها می‌شود چرا که خط تلفن به اسم یدر مصری احمد است که اسمش عربی است. در اثر حمله به برج‌های دوقلو، زمانی که او نوجوانی بیش نیست، دشمن و دیگری به حساب می‌آید. در نتیجه تماس‌های تهدیدآمیز زیادی با خانه مادرش ترزا مالوی کاتولیک آمریکایی - ایرلندی برقرار می‌شود. ترزا به اجبار شماره تلفن خانه را تغییر داده و به اسم خودش، و نه اسم فامیل عربی همسرش، خط دیگری می‌خرد: «مجبور بودیم، بعد از ۱۱ سپتامبر ... تماس‌های ضد مسلمان داشتیم» (۵۹).

از سوی دیگر، آزار و تحقیری که در دبیرستان از طرف پسر سیاهپوستی به اسم تایلنول^۱ به احمد می‌شود در تندروی او مؤثر است. وی احمد را عرب می‌نامد و دایم در پی تحقیر زبانی و گاهی جسمی اوست. وی دختر مورد توجه احمد را به فحشا می‌کشاند که در سوق دادن احمد به انتقام و نشان دادن عکس العمل مؤثر است. در تمامی این موارد شخص احمد، گروه نژادی که بواسطه‌ی پدرش به آن تعلق خاطر دارد و همچنین دختری که مورد علاقه‌ی اوست تحقیر شده‌اند که هر کدام به نوبه‌ی خود در هدایت او به انجام اعمال تلافی‌جویانه مؤثرند.

^۱ Tylenol

احمد به عنوان جوانی معتقد به اسلام از زندگی با مادرش که زنی بی‌دین است راضی نیست. در صحبتی که احمد با جک لوی^۱، مشاوره دبیرستانش دارد تا دلیل تغییر مسیر خود از کالج به بازار کار را توضیح دهد، تنفر از مادرش را بروز می‌دهد: «پدرم به خوبی می‌دانست که ازدواج با یک شهروند آمریکایی هر چقدر هم آشغال و بی‌اخلاق باشد تابعیت آمریکا را به وی خواهد داد» (۱۶) و ادامه می‌دهد که فعلاً نام خانوادگی مادرش را دارد ولی وقتی مدرسه‌اش تمام شده و مستقل شود اسمش احمد عشناوی خواهد شد» (۱۷). نگرش منفی احمد درباره مادرش در بخش دیگری از رمان اینگونه مطرح می‌شود: «... اگر فقط یک چیز بخواهد، این است که مادرش برای شرکت در مراسم فارغ التحصیلی مدرسه شبیه بدکاره‌ها نباشد» (۱۵). چنین نگرشی از سمت احمد نسبت به مادرش در انزوای بیش از پیش او و سوق داده شدنش به مسیر تنفر و انجام اقدامات مخرب علیه مادرش و فرهنگی که او نمادش می‌باشد بی‌شک موثر بوده است.

در خانه، گهگاه احمد باید حضور مردانی را تحمل کند که مادرش به عنوان دوست به همراه خود می‌آورد؛ صرف حضور ایشان برای احمد نوجوان چالش ذهنی و گاه جسمی در پی دارد و نیز برای او به عنوان مرد خانواده توهین آمیز است. تضاد رفتار و عقاید پدر و مادر اثر شدیدی بر احمد دارد. مادرش می‌گوید که پدرش معتقد بود: «زن باید در خدمت مرد باشد نه صاحب او» (۶۵). خواننده ممکن است حدس بزند که احمد گاهی پیش خودش فکر کرده - است اگر مادرش آنقدر بی‌قید و در تضاد با پدر نبود، پدرش علیرغم شکست مالی در زندگی آنها می‌ماند. از طرف دیگر پدر با علم به اینکه ازدواج با یک زن آمریکایی موقعیت مالی فراهم می‌کند با ترزا^۲ ازدواج کرده است: «احمد مادرش را اشتباهی می‌دانست که پدرش هرگز نباید مرتکب می‌شد» (۱۲۳).

به نظر می‌رسد مجموع عواملی که در بالا گفته شد به همراه کشور و فرهنگی که احمد را در چنین موقعیت سخت و بغرنجی قرار داده محرک و انگیزه‌ی تندروی فردی در احمد باشد؛ بدین شکل، او تبدیل به طعمه‌ای می‌گردد که مستعد جذب شدن به سازوکار تروریستی است. منفجر کردن یک کامیون پر از مواد منفجره می‌تواند منجر به مرگ احمد و خسارت به کشور آمریکا شود. ولی مرگ خود و زجری که مادرش با لقب تروریست خواهد کشید برایش اهمیتی ندارد. می‌داند که از مادرش بازپرسی‌ها خواهد شد. با توهین و آسیب بسیاری روبرو

^۱ Jack Levy

^۲ Teresa

خواهد شد، اما حاضر نیست پولی که رشید به عنوان غرامت خون می‌دهد به مادرش داده شود.

قبل از اینکه فرد اطمینان یک گروه تروریستی را برای انجام عملیات جلب کند بتدریج مورد امتحان قرار می‌گیرد و هر بار تست، جدی‌تر و خطرناک‌تر می‌شود. این تغییر تدریجی از هوادار بودن به فعال را تندروی فردی می‌گویند (مکالی و مسکالینکو، ۶). اسم دیگر این مکانیسم «سندرم مؤمن واقعی»^۱ است. در حین این روند تدریجی، فرد عدم تمایل خود به همراهی با گروه‌های اجتماعی را ثابت می‌کند و بنابراین کمتر با ایدئولوژی‌های متفاوت روبرو شده و دید محدودتری پیدا می‌کند. این روند تدریجی شامل تشویق خود، اطاعت بیشتر از عامل تندرو کننده و توجیه خود فرد است. این مکانیسم ارتباط و نزدیکی با مکانیسم انزوایابی دارد.

از آنجایی که رازداری اهمیت بسزایی برای تروریست دارد و باید دور از دسترس دشمن باشد، نوعی وابستگی درونی بین اعضا بوجود می‌آید که باعث وابستگی شدید گروه شده و منجر به تقابل هرچه کمتر با ارزش‌های گروه‌های دیگر می‌شود. هدف و مسیر اصلی برای اعضا گروه این است که ارزش‌های اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گروه را ملکه ذهن کنند. احمد از یازده سالگی به مدت ۷ سال بدون یک جلسه غیبت در کلاس شیخ رشید یمنی حاضر شده و در جلسات بحث شرکت می‌کند و به بهترین کاندید برای حمله تروریستی توسط شیخ رشید تبدیل می‌شود.

این جلسات به نوعی احمد جوان را به پدرش مرتبط می‌کرد و آرزو داشت روزی مانند دو مرد مسلمان با هم گفتگو کند احمد جزء گروه کوچکی از دانش آموزان بود که به کلاس شیخ رشید می‌آمدند. در طول زمان سایر دانش‌آموران گروه را ترک می‌کنند و احتمالاً مجدداً احمد طرد شدن را احساس کرده‌است. علاوه بر یادگرفتن قرآن و معنای آیه‌ها، احمد سعی می‌کند که روح و جسم خود را پاکیزه نگاه دارد. برای نشان دادن تمایل شدیدش به طهارت و پاکی «شلوار جین مشکی و پیراهن سفید درخشان می‌پوشید» (۲۵). این لباس به یونیفورم مدرسه و یا لباسی که مسلمانان آمریکایی می‌پوشیدند شباهتی نداشت. به این ترتیب خود را از بقیه دانش آموزان متمایز می‌کند و به رشید بی‌توجهی خود را به مد و لباس معمول در کشور نشان می‌دهد. اما از طرف دیگر وقتی جوریلین^۲، دختر مورد توجه احمد، او را به کلیسا دعوت

^۱ "True Believer" syndrome

^۲ Joryleen

می‌کند، به کلیسا می‌رود و با شماتت رشید روبرو می‌شود: «امیدوارم که دیگر به کلیسای کافر در مرکز شهر نروی» (۸۱).

حضور رشید، نقش پدران‌های مورد تیاژ احمد را تا حدی برایش برآورده می‌کند، اگر چه رشید هیچگاه ارتباطی پدران‌ها با احمد که برایش حکم طعمه را داشت برقرار نکرد. از سوی دیگر، تعلیمات جزم‌اندیشانه‌ی او به احمد کمکی نمی‌کرد تا با به کار بستن آن‌ها بتواند به طرز هوشمندانه با سختی‌های زندگی در اجتماعی که تقریباً تمامی اصولش مغایر با باورهای این مرد جوان بود مواجه شده و از تبدیل آن‌ها به بحران جلوگیری کند. در نتیجه مریدی رشید و دیدن زندگی از دید وی، احمد هم‌کلاسی‌هایش را کافر می‌پندارد و تحصیلات دبیرستان را محصول شیطان: «پول می‌گیرند که فضائل و ارزشهای دموکراتیک را... تحمیل کنند اما ارزش‌هایی که به آن معتقدند ملحدانه است: بیولوژی و شیمی و فیزیک» (۴).

رشید از احمد می‌خواهد که دبیرستان و دانشگاه را رها کرده و راننده کامیون شود چرا که می‌خواهد او را از محیط جدا کند و از طریق او عملیات انفجار پل را به انجام برساند. بدین ترتیب رشید ذهن احمد را با تنفر از دیگران پر می‌کند تا بتواند نقشه اصلی را پیاده کند. احمد در یک جلسه از رشید می‌پرسد: «آیا هدف خداوند که توسط پیامبر گفته شده ارشاد کافران به دین نیست؟» و رشید جواب می‌دهد: «سوسک‌هایی که از زیر قفسه و ظرفشویی بیرون می‌آیند آیا به آنها ترحم می‌کنی؟... خدا از رنج آنان شاد خواهد شد» (۵۸).

رشید که از تنها بودن احمد و علاقه شدید وی به اثبات ثابت قدمی آگاه است، چندین بار در گفتگوهایی به احمد می‌گوید که اگر برای انجام مأموریت شک و تردید یا هراسی دارد جوانان دیگری هستند که مشتاقانه چنین مأموریتی را می‌پذیرند. به این ترتیب با انگشت گذاشتن بر نقطه ضعف احمد، او را تحت فشار قرار داده و باز هم تأکید می‌کند که اگر شک دارد بیان کند و رشید هم حرفی از این گفتگوها نخواهد زد (۱۷۱). این مرحله از تندرو شدن را «خطر و مرتبه»^۱ می‌گویند، باین معنا که هرچه خطر بیشتر باشد، مرتبه کنشگر بالاتر خواهد بود. مکالی و موسکالینکو (۲۰۱۷) تأکید می‌کنند: «وجود ارتباط نامتقارن بین میزان خطرپذیری از یک سو و شدت مرتبه‌جویی از سوی دیگر، بخصوص در مورد مردان جوانی صدق می‌کند که از خانواده‌هایی با پس‌زمینه‌ی نامطلوب، بهره‌ی هوشی پایین‌تر و موقعیت اقتصادی-اجتماعی پایین برخوردار باشند، کسانی که علی‌القاعده در شغل‌های معمول و مرسوم اجتماع از

^۱ dubbed "risk and status"

شانس کمتری برای موفقیت برخوردارند. احتمال پیوستن این گونه جوانان به جریان‌های گروه‌های جنایتکار، ارتکاب جرم خشونت‌بار و رفتارهای پرخطر دیگر بیشتر است» (۶۳-۶۲). البته در مورد احمد فقط وضعیت خانواده‌اش صدق می‌کند چرا که دانش آموز باهوشی است، همیشه نمرات عالی می‌گیرد و به راحتی می‌تواند به دانشگاه برود.

عبدالحق بیکر^۱ در کتابش با عنوان *تندروها در بین ما: روبرو شدن با ترور*، درباره نوسلمانان جوان در انگلستان می‌نویسد و عقیده دارد که شرایط قبل و بعد از مسلمان شدن آنها را مستعد ایدئولوژی‌های تندرو می‌کند. استفاده از نتیجه پژوهش وی در تحلیل شخصیت احمد و رابط وی با شیخ احمد نکات شایان ذکری را در اختیار می‌گذارد. بیکر درباره تضاد هویت‌ها، آموزش در خلاء و جدایی از خانواده، جامعه و سیاسی شدن دین بحث کرده و اظهار می‌دارد که تضاد بین هویت قدیمی و جدید به ویژه در مراحل اولیه با عوامل اقتصادی - اجتماعی، سیاسی و روانشناسی وجود دارد. هر قدر شخصیت فرد نودین بی ثبات تر باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که به تبلیغات تندگرایانه گرایش پیدا کند. این جوانان برای تشکیل هویت مستحکم و بلوغ مذهبی نیاز دارند که با جوامع مسلمان آزاد و با انواع مذاهب آشنا شوند و نسبت به تفسیرهای متفاوت تساهل داشته باشند. وی معتقد است که «وجود یک خلاء بین افراد و مسجد، به دنبال غیبت مداخله گرانه وسیع یا مکانیسم‌های جایگزین پیش خواهد آمد که باعث می‌شود افراد جوان راه آموزش و تأثیرپذیری را خود انتخاب کنند.» (۲۲۱)

احمد در عین جوانی می‌داند که آلت دست شیخ رشید شده اما بدون هیچگونه اعتراضی اجازه می‌دهد این موضوع ادامه پیدا کند زیرا در نبود پدرش، به هیچ وجه نمی‌خواهد این تایید پدرانه از بین برود. به همین خاطر در جواب شیخ رشید که پرسیده بود آیا او تردیدی نسبت به انجام عملیات دارد، می‌گوید: «نه، مأموریت از آن من است گرچه خودم را در حد کرمی در درون آن می‌بینم» (۱۷۱). احمد به فکر موقعیت ویژه‌ای است که بعد از انفجار پیدا خواهد کرد. این مسیر از تندروی «ریسک و شأن موقعیت» نامیده شده است. به این معنی که هر چقدر عمل پرخطرتر باشد، عامل تندروی در بین گروه تروریستی از شأن بالاتری برخوردار می‌شود. بارت شورمن، پیتر گرول و اسکات فلاور^۲ (۲۰۱۶) بیان می‌کنند که ارتباطی نزدیک بین تأثیرپذیر بودن و تصویری که نوسلمانان از خود و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند وجود دارد. اگر به خود احترام بگذارند و درک معقول و متعادلی از خود داشته باشند، احتمال

^۱ Abdul Haqq Baker

^۲ Bart Schuurman, Peter Grol & Scott Flower

تندروی ایشان کم خواهد بود. به نظر می‌رسد توجه احمد به دین و هویت مذهبی‌اش، عکس‌العملی به روش زندگی بی‌پروای مادر و خلاء نبودن پدر در شکل‌گیری شخصیت وی باشد. محیط و اطرافیان چند فرهنگی هم در بحران هویتی احمد تاثیر بسزایی دارد: «فکر می‌کرد که در دین نشانی می‌یابد از پدر خوش قیافه‌ای که در آغاز شکل‌گیری خاطره‌هایش وجود داشت (۷۳).

رمان تروریست بر احمد متمرکز است و اثری از تعامل‌های اجتماعی مانند ارتباط رشید با مسلمانان دیگر یا مراسم نماز، سفر به مکه، کار خیر، مراسم عید فطر و آداب دیگر دینی وجود ندارد که خواننده درکی از تشکیل هویت احمد عشاوی مالوی در تعامل با دیگر مسلمانان داشته باشد. به عقیده بیکر «نو مسلمانان منتخب آگاهی چندانی از قرآن ندارند و انتخاب‌کننده (عامل) به راحتی مفهوم مذهبی هسته اصلی پیام را می‌پوشاند» (۱۱). در حین آموزشی از این دست فرد منتخب کم کم ایزوله می‌شود و خود را از اعضا خانواده و دوستان و آنهایی که عقاید متفاوتی دارند کنار می‌کشد. تصویر ارایه شده آپدایک از احمد تصویری چند وجهی و کاملی نیست که ضعف شخصیت‌پردازی را نشان می‌دهد.

خواننده در طول داستان متوجه می‌شود که حتی بعد از چند سال تعلیم احمد هنوز با مفهوم عدالت و رحم خداوند کنار نیامده است زیرا آنگونه که رشید القا می‌کند از زجر دادن کافران مسرور می‌شود. (۵۵) اما رشید تمایلی به بحث ندارد و فقط انتظار پذیرش و فرمانبرداری دارد. احمد به عنوان یک جوان دچار شک تردید است. حین قدم زدن به قانون دوم ترمودینامیک می‌اندیشد و سؤلهایی به فکرش می‌رسد. با دیدن جسد و آثار به جا مانده از حشرات و کرم‌هایی که در کنار پیاده رو به سرعت جذب خاک و علف و آسفالت می‌شوند به مرگ خودش و اینکه چه خواهد شد فکر میکند. اما رشید با عصبانیت و شک و تردید و سوالات احمد را کنار می‌زند. شخصیت فردی که در انتهای روند تندروی شکل گرفته شده، باید نسبت به هر تأثیر داخلی و خارجی مصون باشد تا جلوی رسیدن به هدف گرفته نشود. در حین صحبت با جک لوی احمد نظریات شیخ رشید را بیان می‌کند و آشکار می‌شود که چندان در عقاید خود استوار نیست و شیخ در تاثیرگذاری کامل بر احمد موفق نبوده است:

- [رشید] معتقد است که برخورد نسبی، مذهب را مبتذل می‌کند...

- شما به دین معتقدید، من به آن معتقدم، همه با هم کنار می‌آییم. این روش آمریکایی است.

- درسته

- او روش آمریکایی را دوست ندارد؟

- از آن متنفر است.

و شما آقای مالوی! شما هم از آن متنفرید؟

پسر سرش را با خجالت به زیر انداخت.

-من البته از همه آمریکایی‌ها متنفر نیستم. اما روش آمریکایی راه کافران است. به سوی

تقدیر فجیعی پیش می‌رود. (تروریست ۱۰)

مشخص است که احمد همه مکانیسم‌های روانشناسی، اجتماعی و فلسفی تندروی را تجربه می‌کند اما مأموریت را انجام نمی‌دهد. دلایل چندی در رمان بر شکست رشید در تأثیرگذاری بر احمد دلالت می‌کند. احمد به کالج نمی‌رود و بعنوان راننده کار رساندن بسته‌های پستی را شروع می‌کند. دیدن خانواده‌های مسلمان که احمد برایشان بسته حمل می‌کند یکی از این عوامل است. خانه‌های تمیز با دکور زیبا و شادی افراد خانواده را مشاهده می‌کند. با رییس خود به اسم چارلی شهاب لبنانی-آمریکایی بیشتر آشنا می‌شود. چارلی از خانواده‌ای مسلمان است. دیدن این خانواده‌ها شک و تردید را به جان احمد می‌اندازد. مورد دیگر اظهار نظر جک لوی است که اعتراف به رابطه با مادر احمد در طول تابستان می‌کند. جک عاشق ترزا شده و بسیار از او تعریف می‌کند: «او همه دنیای من شد. از دست دادنش مثل این بود که عمل جراحی بزرگی داشتم. رنج می‌برم ... تو نمی‌توانی درک کنی» (۲۱۳). برای اولین بار مادرش را با نگاه مثبتی از دید فرد دیگری می‌بیند و احساس خوبی به او دست می‌دهد. احمد با امتناع از منفجر کردن ماشین حامل بمب که منجر به کشتن خود و دیگران میشد تصمیمی می‌گیرد که انتها و پایان آن در رمان نیامده است چرا که داستان سرانجام احمد را باز گویی نمی‌کند. مسکالنکو و مکالی (۲۰۲۱) در مقاله ای مطرح می‌کنند که «بیشتر افراد با عقیده رادیکال دست به انجام اعمال رادیکال نمی‌زنند» (۱۴۳). باید گفت شخصیت احمد هنوز کاملاً شکل نگرفته و تثبیت نشده است زیرا وی دچار بحران هویت است. در تلاطم بین جامعه مصرف کننده آمریکا و ایده‌آل گرایی دینی وامانده است. رمان با جمله «این شیاطین میخواهند خدای مرا از من بگیرند» (۳) شروع شده و با جمله «این شیاطین خدای مرا گرفته‌اند» (۲۴۰) به پایان میرسد که بیانگر آشفتگی و سردرگمی وی میباشد.

۴. نتیجه

تندروی نومسلمانان جوان در کشورهای غربی به مسأله حادی تبدیل شده است. پژوهش و کتابهای زیادی در این باره نوشته شده به ویژه که بعد از ۱۱ سپتامبر رمان‌نویسان هم شخصیت‌های مسلمان تندروی بمب‌گذار را وارد داستان‌هایشان کرده‌اند. جان آپدایک بر خلاف بعضی از نویسندگان مانند مک یوئن سعی دارد تصویری متعادل و منطقی ارائه دهد. وی با قرار دادن احمد در پس زمینه زندگی روزمره امریکا و مسایل و مشکلات وابسته به آن رشد و بالندگی احمد بسوی تندروی را نشان می‌دهد. شخصیت احمد چندین مرحله از روند تندروی را در طی هفت سال تعلیمات شیخ رشید پشت سر می‌گذارد. گرچه که دانش آموز دبیرستانی با استعدادیست اما نبود پدر، روش زندگی بی پروای مادر، مشکلات ایجاد رابطه با دختران و پسران در دبیرستان و سرگردانی هویتی باعث تنها شدن و پناه بردن به رشید می‌شود. در نهایت احمد به خاطر دغدغه‌های فکری و برخوردهای کوتاه با دیگر مسلمانان بمب‌را منفجر نمی‌کند و داستان با صحبت احمد و جک لوی بدون انفجار بمب به پایان می‌رسد. پایان داستان باز است. سرنوشت احمد بعد از این ماجرا بیان نشده است و آپدایک تلاش احمد برای شکل گرفتن هویت و شخصیتش را و نیز سوالات احتمالی خواننده در باره آینده این مرد جوان بی جواب می‌گذارد، جوانی که می‌توانست با هوش و استعدادش فرد سازنده و خلاقیتی در جامعه بشری باشد.

در حقیقت زندگی افرادی که به نحوی با احمد سرو کار دارند بیانگر ناهنجاریهای جامعه آمریکای بعد از یازده سپتامبر است، جامعه مصرف‌گرایی که نتوانسته است آسایش و اطمینان خاطر برای جمعیتی برگرفته از نژادها، دین‌ها، و فرهنگ‌های مختلف فراهم کند. هرکدام از شخصیت‌ها، از احمد منزله و اصول‌گرای ایده‌آلیست گرفته تا، مادر و پدرش، جک لوی مشاور دبیرستان، شیخ رشید امام جماعت مسجد، و همکلاسی‌های احمد، خود قربانی سیستمی بالاتر از خود هستند که به خاطر شوک شدید وارد شده به جامعه در اثر حادثه سپتامبر نتوانسته‌است آرامش و امنیت خاطر برای مردم فراهم کند. افراد جامعه در این رمان همانند گوی‌هایی شکسته و آسیب دیده بهم می‌خورند و بیشتر آسیب دیده و خسارت وارد می‌کنند. هویت جمعی و فردی شخصیت‌ها خدشه دار شده‌است. پدراحمد با امید دست یافتن به رویای اقتصادی بهتر مهاجرت کرده ولی با انتخاب نامناسب همسر و شکست مالی، تولد فرزند را نادیده گرفته و ناپدید شده‌است. ترزا با رفتارهای نابهنجار، عزت نفس و فردیت خود را لگد مال کرده، احترام و علاقه پسرش را از دست داده و با عدم نظارت حمایت‌گرایی مادرانه و

ارتباط مناسب با فرزندش وی را نا خودآگاه تنها و ایزوله وارد چرخه آسیب دیده جامعه نموده است. همکلاسی سیاهپوست که خود زخم خورده و محصول سالها استعمار رنگین پوستان در آمریکا است به تحقیر و دشمنی با احمد بر می خیزد تا هویت قدرتمندی از خود در جامعه دبیرستان نشان دهد. شخصیت های رمان هرکدام به نحوی آسیب دیده و زخم خورده روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه اند. در جستجوی زندگی بهتر و ایده آل آسیب می بینند و آسیب می زنند. این آسیبه ها هم فردی و شخصی و هم اجتماعی است و باعث تخریب و آشفته گی و نابسامانی فرد و جامعه می شود.

References

- Baker, Abdul Haqq. *Extremists in Our Midst: Confronting Terror*. Houndmills, Basingstoke, Hampshire: Palgrave Macmillan, 2011.
- Beck, Ulrich. *World at Risk*. Trans. Ciaran Cronin. Cambridge: Polity Press, 2009.
- Beckett, Lois. "White Supremacists Behind Majority of US Domestic Terror Attacks in 2020". *The Guardian* ۲۲, October. Accessed 5 Dec. 2020 at :
<https://www.theguardian.com/world/2020/oct/22/white-supremacists-rightwing-domestic-terror-2020>.
- Borum, Randy. "Radicalization into Violent Extremism I: a Review of Social Science Theories." *Journal of Strategic Security*, vol. 4, no. 4 (2011): 7-36.
- Borum, Randy, and Terri D. Patterson. "Juvenile Radicalization into Violent Extremism: Investigative and Research Perspectives." *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, vol. 58, no. 12 (2019): 1142-1148.
- Diaconu, Maria. *Literature and Democratic Criticism: The Post-9/11 Novel and the Public Sphere*. Dissertation, Heidelberg University, 2016.

- Erdem ,Nur ,M., et. al .Eds .*Handbook of Research on Aestheticization of Violence ,Horror ,and Power* .Hershey, PA: IGI Global, 2021.
- Hartnell, Anna. "Violence and the Faithful in Post-9/11 America: Updike's *Terrorist*, Islam, and the Specter of Exceptionalism." *Modern Fiction Studies*, vol. 57, no. 3 (2011): 477-502.
- Healey, Justin. *Countering Terrorism and Violent Extremism*. Spinney Press, 2017.
- Herman, Peter. "Terrorism and the Critique of American Culture: John Updike's *Terrorist*." *Modern Philology*, vol. 112, no. 4 (2015): 691-712.
- Houen, Alex. *Terrorism and Modern Literature, from Joseph Conrad to Ciaran Carson*. Oxford University Press, 2002.
- Jayakumar, Shashi. *Terrorism, Radicalisation & Countering Violent Extremism: Practical Considerations & Concerns*. Springer, 2019.
- Kimmel, Michael. *Healing from Hate: How Young Men Get Into—and Out of—Violent Extremism*. University of California Press, 2018.
- Langah, Nukhbah Taj. Ed. *Literary and Non-Literary Responses towards 9/11: South Asia and Beyond*. Routledge, 2019.
- Koehler, Daniel and John Horgan. *Understanding Deradicalization: Methods, Tools and Programs for Countering Violent Extremism*. Routledge, 2017.
- Kribernegg, Ulla. "'Hey, Come On, We're All Americans Here': The Representation of Muslim-American Identity in John Updike's *Terrorist*." *European Perspectives on John Updike*. Edited by Laurence W. Mazzeno and Sue Norton. NY: Camden House, 2018. pp. 155-165.

Lombardi, M.E., et al. *Countering Radicalisation and Violent Extremism among Youth to Prevent Terrorism*. Amsterdam: IOS Press, 2014.

Mansouri, Fethi and Zuleyha Keskin. *Contesting the Theological Foundations of Islamism and Violent Extremism*. Palgrave, 2019.

Marandi, Seyyed Mohammad, and Zeinab Ghasemi Tari. "Khanesh-e Moqayese-ey Adabiyyat Janghaye Salibi va Adabiyyat Amrica Pas as 11 Septambr dar Do Roman Terrorist va Mard dar hal-e Soqut" ["A Comparative Reading of the Crusades and America's Post 9/11 Literature: Terrorist and the Falling Man - Two American Novels"]. *World Studies Quarterly*, vol. 1 no. 1 (2011): 233-256.

Mazzeno, Laurence, W. *Becoming John Updike, Critical Reception, 1958–2010*. New York: Camden House, 2013.

McCauley, Clark, and Sophia Moskalenko. *Friction: How Conflict Radicalizes Them and Us*. Revised edition. Oxford University Press, 2017.

---. "Mechanisms of Political Radicalization: Pathways Toward Terrorism." *Terrorism and Political Violence*, vol. 20, no. 3 (2008): 415-433, DOI: 10.1080/0954655080207336.

Morey, Peter. *Islamophobia and the Novel*. Columbia University Press, 2018.

Moskalenko, Sophia, and Clark McCauley. "QAnon: Radical Opinion versus Radical Action." *Perspectives on Terrorism*, vol. 15, no. 2 (April 2021): 142-146.

---. "Measuring Political Mobilization: The Distinction between Activism and Radicalism." *Terrorism and Political Violence*, vol. 21, no. 2 (2009): 239-260.

Pirnajmuddin, Hossein, and Abbasali Borhan. "Nosharghshenasi, Terrorism va

Pishgooeai Tarikh dar Roman Mao II Asar Don DeLillo" ["Neo-Orientalism, Terrorism, and 'Anticipation of History' in Don DeLillo's Mao II"]. *Research in Contemporary World Literature [Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji]*, vol. 16, no. 63 (2012): 65-84.

Pirnajmuddin, Hossein, and M. Salehnia. "Islam and Modernity: A Study of John Updike's *Terrorist* (2006)." *The Journal of Teaching Language Skills (JTLS)*, vol. 4, no. 2: (2012): 65-84.

Pirnajmuddin, Hossein, and Motahareh Sadat Peyambarpour. "Ian McEwan va Ansangerae Liberal: Naqdi bar Roman Shanbeh" ["Ian McEwan and Liberal Humanism: A Reading of Saturday"]. *Research in Contemporary World Literature [Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji]*, vol. 25, no. 1 (2020): 183-208.

Poster, Jem. "Paradise Lost." *The Guardian*. 5 August 2006. Accessed at: <https://www.theguardian.com/books/2006/aug/05/shopping.fiction>

Schuurman, Bart, et al. "Converts and Islamist Terrorism: An Introduction." *The International Centre for Counter-Terrorism*, The Hague 7, no. 3, 2016.

Tinnes, Judith. "Bibliography: Homegrown Terrorism and Radicalisation." *Perspectives on Terrorism*, vol. 9, no. 6 (2015): 119-153.

Updike, John. *Terrorist*. NY: Alfred A. Knopf, 2006.

Wilner, Alex .S. , and Dubouloz, Claire-Jehanne. "Transformative Radicalization: Applying Learning Theory to Islamist Radicalization." *Studies in Conflict & Terrorism*, vol. 34, no 5 (2011): 418-438.

Zeiger, S., et al. *Enhancing Women's Roles in Preventing and Countering Violent Extremism (P/CVE)*. Amsterdam: IOS Press, 2019.